

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم*

سید محمد شریف هاشمی

ibn1400@gmail.com

عضو هیئت علمی معهد عالی

چکیده

این مقاله به بررسی تعریف حجاب از نگاه قرآن می‌پردازد و تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که مفهوم حجاب در نگاه شرع چیست؟

حجاب از نگاه قرآن به سه دسته تقسیم می‌شود که مهم‌ترین آن حجاب رفتاری است هم‌چنین قرآن به دنبال اصلاح نحوه گفتار افراد می‌باشد و پوشش خاصی برای افراد جامعه معرفی می‌کند تا از تحریک دیگران جلوگیری نماید. البته از سوی دیگر به افراد دستور می‌دهد تا تحت تأثیر تحریک دیگران قرار نگیرند.

کلیدواژه‌ها: حجاب قرآنی، حجاب رفتاری، حجاب گفتاری، حجاب پوششی، فلسفه

حجاب

* دریافت: ۱۳۹۳/۸/۵ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۵

مقدمه

اسلام قوانینی وضع کرده است تا انسان‌ها در پرتو آن زندگی مرفه و ایمن داشته باشند. یکی از این قوانین، حجاب است. حجاب در بین همه انسان‌ها به شکل‌های مختلف وجود دارد. اما اسلام آن را ضابطه‌مند ساخته است. در این جستار تلاش شده است تا با کنار هم گذاشتن متون قرآن و سنت، مفهومی صحیح از حجاب ارائه شود.

پیشینه تحقیق

قدیمی‌ترین اثری که در موضوع حجاب روایت شده است، کتابی است با عنوان «الحجۃ و الحجاب» نوشته محمد بن محمد التعلوی ذی متفای (۵۸۳ قمری) که چیزی جز نام این کتاب به جای نمانده است. (حاجی خلیفة، ۱۹۴۱، ۶۳۰/۱) یا رساله‌ای که ابن تیمیه متفای (۷۲۸ قمری) در همین موضوع با عنوان «حجاب المرأة و لباسها فی الصلاة» نوشته. این کتاب همین‌طور که از عنوان آن بر می‌آید به حکم حجاب و کیفیت حجاب زن پرداخته است. اما از بین معاصرین می‌توان به کتاب «الحجابة» منفلوطي متفای ۱۳۴۳ قمری، کتاب «جلباب المرأة» نوشته آلبانی و کتاب «حجاب» نوشته ابوالاعلی مودودی اشاره کرد. در بین پژوهش‌های فارسی زبان از حجاب شرعی در عصر پیامبر نوشته امیر حسین ترکاشوند می‌توان نام برد. هرچند این کتاب توجه ویژه‌ای به پوشش و لباس در عصر پیامبر دارد و اشاره‌ای به دیگر زوایای حجاب نکرده است. یا مقاله‌ای با عنوان فلسفه حجاب از دیدگاه قرآن نوشته آیت الله مکارم شیرازی و یا مقاله‌ای با عنوان مفهوم، فلسفه و فواید حجاب نوشته حسین مهدی زاده در این حوزه به رشته تحریر در آمده است.

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

در تمام نوشتہ‌های گذشته فقط به حجاب زنان توجه شده است، آن هم اندازه و چگونگی پوشش زنان و پرداختن به اختلافاتی که در این زمینه است. اما کاری که در این نگارش صورت گرفته با کارهای گذشته متفاوت است؛ در این پژوهش سعی شده است تا با نگاهی جدید موضوع حجاب مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش آیات قرآن در موضوع حجاب در کنار یک دیگر قرار داده شده و پس از آن به حسب موضوعاتی که آیه مشتمل بر آن است، چارچوب مقاله به حجاب رفتاری، حجاب گفتاری، حجاب پوششی، فلسفه حجاب و فواید حجاب پرداخته است.

سؤالات تحقیق:

- حجاب چرا این همه مورد توجه قرآن است؟
- چرا در خیلی از جوامع با وجود حجاب همچنان فساد اخلاقی وجود دارد؟
- حجاب از نگاه قرآن چیست؟
- حجاب چه تقسیماتی دارد؟

تاریخ مشروعیت حجاب

حجاب یکی از مفاهیم شرعی است که در اسلام جایگاهی ویژه پیدا کرده است و در متون اسلامی از آن به عنوان محافظت جامعه نام برده شده است.

حکم حجاب در عهد مدنی نازل گشته اما در مورد تاریخ دقیق مشروعیت حجاب سندی صحیح در دست نیست. تمام مدارک موجود، شامل یک سری حدسه‌ها و قرایین می‌باشد که ما را تا حدودی به تعیین تاریخ دقیق راهنمایی می‌کند.

تفسرین بر این باورند که: «حجاب با نزول سوره احزاب مشروع شده است و سوره احزاب در مدینه پس از سوره آل عمران هم زمان با جنگ خندق نازل شده است» (ملا

حویش، ۱۹۶۵، ۴۳۵/۵ و دروزه، ۱۹۶۲، ۳۴۷/۷) اما روایتی که بخاری آن را نقل کرده است، بیان‌گر این مطلب است که: «حجاب هم‌زمان با ازدواج رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با زینب بنت جحش مشروع شده است». (بخاری، ۲۰۰۱، ۱۱۸/۶) البته ناگفته نماند قمی این روایت را تأیید می‌کند و تاریخ مشروعیت حجاب را مصادف با ازدواج رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با زینب بنت جحش می‌داند (قمی، ۱۹۸۹/۲، ۱۹۵/۲). بیهقی بر این باور است که: ازدواج رسول الله - صلی الله علیه وسلم - با زینب در سال سوم هجری بوده است. (بیهقی، ۱۹۸۶، ۴۶۷/۳)

با این تفاصیل روشن می‌شود که حجاب تا قبل از سال سوم هجری واجب نبوده است. حال، در هر صورت، تاریخ مشروعیت حجاب به هر زمانی که مربوط باشد، باید بیان نمود که مردم، قبل از آن حجاب را رعایت می‌کردند و مردمی که دارای فطرتی پاک بودند، برای خود حجابی داشتند. گواه بر این، گزارشی است که خداوند در مورد آدم و فرزندانش بیان می‌دارد: ﴿يَسْأَلُنَا عَنِ الْأَذْكُرِ لِيَسَّا بُوْرَى سَوْءَاتِكُمْ وَرِدَشًا وَلِيَسْ أَلْقَوْنَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ إِيمَانِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَدَّكُرُونَ يَسْأَلُنَا عَنِ الْأَذْكُرِ لَا يَفْتَنَنَّكُمُ الْشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبْوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَتَبَعُ عَنْهُمَا لِيَسَهُمَا سَوْءَاتِهِمَا ...﴾ (اعراف، ۲۶-۲۷) «ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زیستی است، [ولی] بهترین جامه، [لباس] تقوای است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند. ای فرزندان آدم، زنهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان برکنند، تا عورت‌ها یشان را بر آنان نمایان کند».

علاوه بر این، منظور از مشروعیت حجاب، کل حجاب نیست، بلکه پوششی خاص مد نظر است که دین مبین اسلام آن را واجب گردانیده است، زیرا از نگاه رفتاری حجاب در همه ادیان مشروع و هیچ عقل سليمی عدم رعایت آن را نمی‌پسندد. در ادامه به دنبال این

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

خواهیم بود که چه حجابی مورد تأیید همه ادیان سماوی بوده است؟ و اسلام چه حجابی را ترویج کرده است؟

در این مجال به بیان این مطلب خواهیم پرداخت که حجاب چیست؟ بدین منظور در ابتدا به معرفی حجاب از منظر لغوی و اصطلاحی خواهیم پرداخت و در جستجوی این خواهیم بود که قرآن حجاب را چگونه معرفی کرده است؟ و علت مشروعیت آن از نگاه قرآن چیست؟

تعريف حجاب

بین لغویین در مورد معنای لغوی این کلمه اختلاف چندانی به چشم نمی‌خورد و تنها اختلاف در مورد ذکر بعضی از مصاديق این معنا است. به عنوان نمونه به ذکر آرای تئی چند از لغویین خواهیم پرداخت:

فیروزآبادی در قاموس آورده است: «ابزاری است برای پوشش» (فیروزآبادی، ۲۰۰۵، ۷۱) این فارس به دلالت معنای این کلمه می‌پردازد و اشاره به این دارد که: حجاب دلالت بر «منع» دارد. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۱۴۳/۲) پیش از او خلیل بن احمد نزدیک به این مطلب بیان می‌دارد و می‌نویسد: «حجاب مانع است که بین دو چیز قرار می‌گیرد». (فراهیدی، ۱۹۹۰، ۸۶/۳) با این تفاصیل می‌توان نتیجه گرفت که: حجاب همان ابزاری است که مانع برخورد یا تأثیر دو چیز بر یکدیگر است، حال این تماس یا تأثیرپذیری، مادی باشد یا معنوی. و گواه بر این ادعا می‌تواند فرموده خداوند باشد: ﴿وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَجَاهًا أَوْ مِنْ وَرَاءِي حِجَابٍ﴾ (شوری، ۵۱) «و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حاجابی».

روشن است که در این آیه حجاب معنوی است و یا خداوند در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَإِذَا سَأَلُوكُمْ مَّتَّعًا فَسُؤْلُوكُمْ مِّنْ وَرَاءِ حِجَابٍ﴾ (احزاب، ۵۳) «و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید.» در این آیه کاملاً بدیهی است که حجاب از نوع مادی آن مد نظر است.

اما برای این‌که بتوان تعریف مناسبی برای حجاب در قرآن ارائه کرد، لازم است نگاه قرآن به قضیه حجاب دقیق موشکافی شود تا روشن گردد منظور قرآن از حجاب چیست؟ با کنار هم گذاشتن آیات قرآن در موضوع حجاب این نکته واضح می‌شود که هنگام سخن از حجاب، از سه نوع حجاب رفتاری، گفتاری و پوششی سخن به میان آمده است. در این‌جا به ترتیب توجه قرآن، هریک را ذکر خواهیم کرد.

حجاب رفتاری

هنگام بررسی آیات در موضوع حجاب این نکته هویدا می‌شود که قرآن توجه ویژه‌ای به معروفی حجاب رفتاری دارد، تا بتواند از تعرض دیگران به حوزه شخصی افراد جلوگیری نماید. و با توجه به معنای لغوی حجاب می‌توان بیان نمود که این خود نوعی حجاب است و از آنجا که در این نوع حجاب، رفتار معرفی شده، حجاب رفتاری نامیده شده است. قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد که پیش از ورود به خانه دیگران در ابتدا خود را کاملاً معرفی نمایند، سپس سلام نمایند، پس از آن وارد خانه شوند. و گواه بر این، فرموده‌ی خداوند است: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيوْتًا غَيْرَ بُيوْتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَمِّوْا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (نور، ۲۷) «ای آنان که ایمان آوردید، داخل نشوید در خانه‌هایی غیر از خانه‌های خود تا آنکه دستور طلبید و سلام کنید بر اهلش، آن بهتر است برای شما، باشد که شما پند گیرید». لغویین در مورد کلمه «استیناس» می‌گویند: «استیناس از ریشه «انس» می‌باشد که دلالت بر ظهور و خودمانی شدن می‌دهد». (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۱)

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

(۱۴۵) قرآن با این دستور بنا دارد قانونی وضع کند تا افراد، درون خانه امنیت کامل داشته باشند، زیرا رفتار انسان در چارچوب خانه با بیرون از خانه متفاوت است و افراد بیگانه هنگام ورود به حریم خصوصی افراد، باید کاملاً شناخته شوند و افراد درون خانه، آمادگی پذیرش آنان را پیدا کنند. با این تفاصیل کاملاً روشن است که در این آیه تنها به اصلاح رفتار مسلمانان هنگام ورود به حریم خصوصی افراد پرداخته است. ناگفته نماند قرآن برای افراد درون خانه هم نسبت به یکدیگر قوانینی وضع کرده است، که بنا بر آن، در ساعتی خاص باید با اجازه بر یکدیگر وارد شوند: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَغْنُوكُمُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُعْلَمُ
وَالَّذِينَ لَمْ يَلْقُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّةٍ مِّنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَجِئَنَّ
ضَمَّونَ شَيْئَكُمْ مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمَنْ بَعْدَ صَلَوةِ الْعَشَاءِ ثَلَاثُ
عَوَزَتِ الْكُلُّ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّونَ
عَلَيْكُمْ بَصْمَكُمْ عَلَى بَعِضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْكِتَابُ
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (نور، ۵۸) «ای کسانی که ایمان آورده اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیم روز که جامه های خود را بیرون می آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این،] سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند، و خدا دانای سنجیده کار است.».

تفاوتشی که در این آیه با آیه پیشین به چشم می خورد در کلمه «استئذان» می باشد، زیرا در آن جا کلمه «استیناس» ذکر شد. کلمه «اذن» زمانی مطرح شده که طرفین یکدیگر را می شناسند و فرد اهل خانه می باشد. و «انس» قبل از شناخت مطرح شده است، زیرا فردی از خارج خانه می خواهد وارد خانه شود. بدین منظور خداوند در آیه پیشین «سلام» را اضافه نمود، که می توان آن را به عنوان اجازه معرفی کرد.

اوقاتی که در این آیه اعلام شده است در حقیقت اوقات خواب و استراحت می‌باشد، و انسان در آن اوقات ممکن است احساس آزادی بیشتری نماید و حتی وضعیتی داشته باشد که دوست ندارد حتی اهل خانه او را در آن حالت مشاهده نمایند. بدین منظور پیش از ورود به اتاق خواب باید اجازه ورود خواست. به عبارت دیگر اگر بیگانه‌ای بخواهد وارد خانه شود، در ابتدا باید بین او و اهل خانه انس ایجاد شود. پس از آن، اجازه ورود بخواهد. اما اهل خانه هنگام ورود بر یک دیگر کافی است که اجازه بخواهند، زیرا انس پیش از این ایجاد شده است. اضافه بر این خداوند برای ورود به خانه پیامبر هم قوانینی وضع کرده است و ورود افراد – مگر با دعوت، برای صرف غذا – به خانه پیامبر را ممنوع ساخته است: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا نَدْخُلُوْبَيْوَتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِنْ طَعَامٌ غَيْرَ نَظَرِيْنَ إِنَّمَا﴾ (احزاب، ۵۳) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به اتاق‌های پیامبر وارد مشوید، مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی‌آن‌که در انتظار پخته شدن آن باشید». با اجرای این قوانین افراد در درون خانه امنیت پیدا خواهند کرد. حال سوال مطرح می‌شود که آیا قرآن راهکاری برای اصلاح رفتاری در درون جامعه هم دارد؟ و یا به عبارتی دیگر قرآن، چه رفتاری را برای افراد در خارج از خانه پیشنهاد می‌کند؟ قرآن توصیه می‌کند افراد باید به گونه‌ای در جامعه حاضر شوند که دیگران را تحریک نکنند، به عنوان نمونه به زنان دستور می‌دهد: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَنْجِلِهِنَّ لِيُعَلَّمَ مَا يَخْفِيْنَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ (نور، ۳۱) «و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنجه از زیستشان را نهفته می‌دارند، معلوم گردد.».

روشن است که هدف از این نهی، جلوگیری از فراهم کردن وضعیتی است که در آن افراد به صورت منفی تحت تأثیر قرار بگیرند. نکته دیگر که در این آیه می‌توان بدان اشاره نمود این است که، قرآن از حضور زنان در جامعه منع نکرده است، زیرا دستور داده است

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

حضور آنان تأثیر منفی بر افراد دیگر نگذارد. در تأیید این مطلب می‌توان به داستان حضرت موسی و آن دو زن در مدین استناد کرد: ﴿وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً يَتَسَوَّبُونَ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ أُمَّارَاتٍ تَذَوَّبَنَّ قَالَ مَا حَطَبُكُمْ فَأَلَّا لَا شَقِّيْ حَتَّى يُصْدِرَ الْعِكَامَةَ وَأَبُونَا سَيِّحٌ كَبِيرٌ﴾ (قصص، ۲۳) «هنگامی که به چاه آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویش‌اند و به چاه نزدیک نمی‌شوند، موسی به آنان گفت: کار شما چیست؟ گفتند: [ما به گوسفندان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است». همان‌طور که از داستان بر می‌آید آن دو دختر برای آب دادن به حیوانات خود بر سر چاه رفته بودند، با این تفاوت که خود و حیواناتشان از جمع فاصله گرفته بودند. این داستان نشان می‌دهد که اسلام و قرآن معنی برای کار کردن زنان در جامعه نمی‌بینند و حتی آنان را به این کار تشویق می‌کنند، ولی از آنان می‌خواهد که در محیط کار از تأثیرگذاری منفی بر افراد خودداری کنند.

در ادامه داستان خداوند مطلبی را بیان می‌فرماید که می‌تواند تأییدی دیگر برای اثبات این ادعا باشد: ﴿فَجَاءَهُمْ إِحْدَاهُمَا تَمَسَّى عَلَى أَسْتِحْيَائِهِ﴾ (قصص، ۲۵) «پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزرم گام بر می‌داشت - نزد وی آمد» در این آیه زیبا نوع رفتار زن در جامعه بیان شده است. زن می‌تواند در جامعه حضور یابد ولی باید حضور او همراه با حیا باشد، زیرا نقش اعرابی جمله ﴿تَمَسَّى عَلَى أَسْتِحْيَائِهِ﴾ حال می‌باشد (صفی، ۱۹۹۷، ۲۰/۲۴۴) پس با این تفصیل حالت زن هنگام حضور در جامعه باید همراه با حیا باشد.

نکته دیگری که در این آیه بدان اشاره شده است حضور تنهای یک زن در جامعه است که از آن معنی به عمل نیامده است. همین معنا با اسلوب دیگری در قرآن بدان اشاره

شده است، اما این بار، از زنان پیامبر خواسته است حضوری منفی در جامعه نداشته باشد، آن جا که می‌فرماید: ﴿وَقَرَنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْ تَبَرَّجَ الْجَاهِلِيَّةَ الْأُولَى﴾ (احزاب، ۳۳) «و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید». علمای لغت در مورد معنای کلمه «قرن» بر یک رأی نیستند، البته بیشتر این اختلافات ناشی از اختلاف در مورد ریشه این کلمه است، بعضی از لغویین این کلمه را مشتق از «قرر» می‌دانند. در این صورت، دلالت بر ثبوت چیزی در مکان و رفع اضطراب دارد (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۵/۷) گروهی دیگر از لغویین این کلمه را از ریشه «وقر» معرفی می‌کنند. (زمخشri، ۱۴۰۷، ۳/۵۳۷) - که قرائت بیشتر قاریان (همه به جز نافع و عاصم) این را تأیید می‌کند. (ابن جزری، ۲۰۰۰، ۱۲/۵۱۲) - در این صورت وقار و طمأنینه از مهم‌ترین معانی این کلمه است. گروهی دیگر «قار» را اصل این کلمه معرفی می‌کنند(ابی حیان، ۲۰۰۰، ۸/۴۷۶) در این صورت دلالت بر اجتماع به صورت حلقه‌ای می‌دهد. با توجه به این تفاصیل روش می‌گردد که مراد خداوند از این کلمه، سفارش به زنان پیامبر جهت رعایت وقار و طمأنینه است و محل اجتماع‌شان باید درون خانه‌هایشان باشد نه این‌که حق ندارند از خانه بیرون روند. ادامه آیه بیان‌گر این مطلب است، زیرا خداوند از «تبرج» نهی کرده است و تبرج آن‌گونه که لغویین بیان داشته‌اند از ریشه «برج» است، و برج بر خودنمایی کردن دلالت می‌دهد. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۱/۲۳۸) البته طبرسی شرحی نزدیک به این معنا ارائه می‌دهد: این کلمه به آن معنا است که زن زیبایی‌های خود را اظهار کند (طبرسی، ۱۹۹۵، ۷/۲۴۳) پس با این تفصیل روش گشت که حتی زنان پیامبر هم آن طور که گمان می‌شد دستور به ماندن در خانه نگرفته‌اند، بلکه سفارش شده هنگام خروج، نباید زینت خود را آشکار نمایند.

از این رو می‌توان نتیجه گرفت که قرآن از لحاظ رفتاری دستور داده است تا فرد به گونه‌ای رفتار نماید که دیگران تحت تأثیر او واقع نشوند، یا به عبارتی دیگر قرآن به دنبال

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

آن است تا رفتار انسان‌ها را در جامعه به گونه‌ای اصلاح نماید که امنیت معنوی خود و دیگران را به هم نریزند. و اگر این قانون محقق شود، خیلی از ناهنجاری‌های اخلاقی جامعه رفع خواهد شد.

حجاب گفتاری

از آنجا که قرآن کلام خداوند، علیم و حکیم است و به تمام اسباب فساد آگاهی تمام دارد، راهکاری برای جلوگیری از آن نیز معرفی می‌کند.

به تعبیر قرآن یکی از اسبابی که می‌تواند ناهنجاری اجتماعی ایجاد کند، نحوه گفتار است. بدین منظور به انسان‌ها دستور می‌دهد به گونه‌ای سخن گویند که بیماردلان دستاویزی نیابند. گواه بر این مدعای دستور خداوند به زنان پیامبر است: ﴿يَنِسَاءُ الَّذِي لَسْتُ
كَأَمْرِ مِنَ الْيَنِسَاءِ إِنَّ أَنَّيْمَنَ فَلَا تَخْضَعْ إِلَّا قَوْلَ فِيَّمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُنَّ فَوْلًا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب، ۳۲) «ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آن که در دلش بیماری است طمع ورزد و گفتاری شایسته گویید». علامه طباطبائی در ذیل این آیه بیان می‌دارد: «از این‌جا می‌فهمیم که آوردن جمله «شما مثل سایر زنان نیستید» برای تأکید است، و می‌خواهد این تکالیف را بر آنان تأکید کند، و گویا می‌فرماید شما چون مثل دیگران نیستید، واجب است در امتحان این تکالیف کوشش و رعایت بیشتری بکنید، و در دین خدا بیشتر از سایر زنان احتیاط به خرج دهید.» (طباطبائی، ۱۹۹۶، ۱۶/۳۰۹) با استناد به این نقل می‌توان ادعا نمود این دستور برای همه زنان است.

خداوند در این آیه، از گفتنی که ابزار بیماردلان شود منع می‌کند، در عین حال که به سخن گفتن نیکو دستور می‌دهد. به عبارتی دیگر فرد نباید با گفتار خود بر دیگران تأثیر

منفی بگذارد، بلکه باید فرد بر دیگران تأثیر مثبت داشته باشد تا از معلومات او بی‌بهره نمانند. خداوند در تأیید این مطلب در داستان حضرت موسی و آن دو زن مدنی می‌فرماید: ﴿قَالَ مَا حَطَبُكُمَا فَالَّتَّا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الْرِّعَاةُ وَأَبُوكَا شَيْخُ كَبِيرٍ﴾ (قصص، ۲۳) «[موسی] گفت: منظورتان [از این کار] چیست؟ گفتند: [ما به گوسفدان خود] آب نمی‌دهیم تا شبانان [همگی گوسفدانشان را] بر گردانند، و پدر ما پیری سالخورده است.» خداوند در این آیه اشاره می‌کند که دو دختر با حضرت موسی هم کلام شدند و موسی هم اقدام به سخن گفتن با آنان کرد. و زیباتر از این، ادامه داستان است، آن‌جا که می‌فرماید: ﴿فَجَاءَهُنَّا إِلَهَنِهِمَا تَمَّى عَلَىٰ أَسْتِحْيَاهُ قَاتَ إِنِّي يَدْعُوكَ لِيَعْزِيزِكَ أَبْرَرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾ (قصص، ۲۵) «پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزرم گام بر می‌داشت نزد وی آمد [و] گفت: پدرم تو را می‌طلبد تا تو را به پاداش آب دادن [گوسفدان] برای ما، مزد دهد». در این داستان آمده است که یکی از آن دو زن به تنها بی‌جهت قدردانی از زحمات موسی، با او سخن گفت و از سوی پدر، او را به خانه دعوت کرد. خداوند حالت آن دختر را هنگام سخن گفتن خیلی زیبا به تصویر می‌کشاند و بیان می‌دارد که از راه رفتن او وقار می‌بارید.

در این صورت است که سخن نه تنها مشکلی ایجاد نمی‌کند بلکه می‌تواند زیبایی را بیافریند. اگر مردمان هنگام سخن گفتن به این نکته توجه داشته باشند باز به نوبه خود خیلی از مشکلات اجتماعی از جامعه رخت بر خواهد بست، و هیچ بیماردلی جسارت نخواهد کرد. و اگر این دو نوع حجاب با حجاب پوششی ترکیب شود، می‌توان ادعا نمود در این صورت مشکل اخلاقی در جامعه باقی نخواهد ماند. از این رو در ادامه به تبیین حجاب پوششی پرداخته خواهد شد.

حجاب پوششی

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

خداآوند برای جلوگیری از تأثیر منفی بر افراد، الگویی برای پوشش نیز معرفی می‌کند و به نحوی زیبا بیان می‌دارد که فرد موظف است زیبایی‌های خدادادی خود را پوشاند: ﴿وَلِيَضَرِّينَ بِخُمُرِهِنَ عَلَى جِيُونِهِنَ﴾ (نور، ۳۱) «و باید روسرب خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند». در جایی دیگر این مطلب با تفصیل بیشتر بیان شده است: ﴿يَتَأْهِلَا الَّتِي قُلْ لِأَذْرُوهُكَ وَبَنَائِكَ وَنِسَاءُ الْمُؤْمِنِينَ يُذْنِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَبِيهِنَ ذَلِكَ أَذْنَقَ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنَ وَكَانَ كَلَّا اللَّهُ عَزُورًا رَّحِيمًا﴾ (احزاب، ۵۹) «ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنه و مهربان است». در این آیه «جلباب» معرفی شده است، و همان‌طور که زمخشری آورده است، جلباب عبارت از لباسی است که از روسرب بزرگ‌تر و از چادر کوچک‌تر است و زن آن را بر سر خود می‌اندازد و تا سینه می‌پوشاند. (زمخشري، ۱۴۰۷، ۵۵۹/۳). با این دو تعبیر روش می‌شود که هدف قرآن آن است که فرد باید زیبایی‌های جسمی خود را چنان پوشد که دیگران را تحریک نکند و روشی است که نتیجه آن ایجاد امنیت برای خود فرد است، زیرا در ادامه می‌فرماید: «این بدین خاطر است که شما به عنوان افراد با شخصیت شناخته شوید تا در نتیجه مورد اذیت و آزار قرار نگیرید». حال این سوال مطرح می‌شود که آیا قرآن استفاده از وسائل آرایشی را اجازه داده است؟ جواب مثبت است. زیرا خداوند دستور داده است تا زنان زینت‌های خود را در معرض دید همگان نگذارند و گواه بر این مدعای فرموده خداوند است آن‌جا که می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ (نور، ۳۱) «و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پی‌داشت آشکار نکنند» در این آیه خداوند از آرایش کردن منع نمی‌کند، بلکه از به نمایش گذاشتن در معرض دید بیگانگان نهی می‌کند. در تأیید این مطلب در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿وَلَا يُبَدِّيْنَ زِينَتَهُنَ إِلَّا بِعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبَابِلَهِنَّ أَوْ أَبَنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءَ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَنَهُنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَنَهُنَّ أَوْ بَنِيَّهُنَّ﴾

أَخْرَجْنَاهُ أَوْ نَسَّا بِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ الْتَّبَعِينَ عَيْرٌ أُولَئِكُ الْأُرْبَةُ مِنَ الْإِجَالِ أَوْ الْطِفْلُ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَتِ الْتِسَاءِ» (نور، ۳۱) «و زیورهای شان را آشکار نکنند جز برای شوهران شان یا پدران شان یا پدران شوهران شان یا پسران شوهران شان یا پسران خواهران شان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزان شان یا پسران برادران شان یا پسران خواهران شان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزان شان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند».

با دقت بر روی افرادی که در آیه آمده است، این نتیجه حاصل می‌شود که، قرآن از به نمایش گذاشتن آرایش‌های فرد در جلوی افرادی که ممکن است تحت تأثیر آن آرایش‌ها قرار بگیرند، جلوگیری کرده است، زیرا اعلام فرموده است به نمایش گذاشتن آن در جلوی خردسال یا مردانی که انگیزه جنسی ندارند، هیچ اشکالی ندارد. این را باید اضافه نمود که واژه «زینت» در لغت عربی بر زیبا سازی چیزی دلالت دارد. (ابن فارس، ۱۹۷۹، ۴/۳۱) این فرامین خاص زنان نیست؛ به مردان نیز چنین فرامینی داده است: «قُلْ لِلّٰهِ مُؤْمِنُونَ يَعْصُمُوا مِنْ أَبْصَدِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور، ۳۰) «به مردان با ایمان بگو: دیده فرو نهند و پاک‌دامنی ورزند». مردان موظف‌اند شرمگاه‌های خود را حفظ کنند و در معرض دید دیگران قرار ندهند. علت کاملاً روشن است: تا دیگران به صورت منفی تحت تأثیر قرار نگیرند.

این نوع حجاب از نگاه قرآن نسبت به دو دسته سابق از اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا خداوند برای دو نوع قبلی هیچ استثنایی قابل نشده است، حال آن‌که برای حجاب پوششی استثنایی وجود دارد. به عبارت دیگر در شرایط خاص جایز است حجاب پوششی رعایت نشود. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَالْقَوْعُدُ مِنَ الْتِسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجِعُنَ نِكَاحًا فَإِنَّ عَيْنَهُمْ كُجُنَاحٌ أَن يَضَعُنَ شِبَابَهُنَّ عَزَّزَ مُتَرَبَّحَتٍ بِزِينَةٍ وَأَن يَسْتَعْفَفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَكِيعٌ عَلَيْهِمْ» (نور، ۶۰) «و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است، و خدا شناوری داناست.» ابن کثیر در ذیل این آیه می‌نویسد: «آن سختگیری‌هایی که بر سایر زنان در پوشش است، بر اینان نیست». (ابن کثیر، ۱۹۹۹، ۸۳/۶) حال آنکه در ادامه آیه بیان می‌دارد برای حجاب رفتاری هیچ استثنایی وجود ندارد، یعنی با وجود اینکه زن کهن‌سالی که انگیزه ازدواج ندارد، مجاز است پوشش را کاملاً رعایت نکند ولی به هیچ وجه اجازه ندارد با به نمایش گذاشتن آرایش‌های خود مقدمات تحریک دیگران را فراهم نماید.

با این تفصیل کاملاً روشن است که قرآن به دنبال تدوین قانونی است تا بر اساس آن، افراد ابزار تحریک دیگران را به هر صورت (رفتار، گفتار و...) فراهم نکنند. سوالی اینجا مطرح می‌شود: هنگامی که دیگران ابزار تحریک او را فراهم می‌کنند او بایستی چه واکنشی نشان دهد؟ و یا به عبارت دیگر، آیا قرآن برای چنین وضعیتی هم راهکاری معرفی می‌نماید؟ پاسخ کاملاً مثبت است، زیرا قرآن به افراد دستور می‌دهد در چنین وضعیتی چشم را فرویندند تا تحت تأثیر تحریکات دیگران قرار نگیرند: ﴿وَقُلْ لِلّٰهِمَّ إِنِّيَ عَصَمَتُ مِنْ أَبَصَرِهِنَّ وَأَحَقَّهُنَّ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور، ۳۱) «و به زنان با ایمان بگو: دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرویندند و پاک‌دامنی ورزند»، زیرا اهل لعت بر این باورند که غض بصر به معنای چشم فروانداختن است، یعنی ممکن است فرد به صورت آنی چیزی را ببیند اما از ادامه دادن باید دست بکشد. (فراهیدی، ۱۹۹۰، ۳۴۱/۳) و این برداشت با حدیثی از پیامبر – صلی الله علیه وسلم – با این مضمون سازگار است: «ای علی، نگاه را دنباله‌دار نکن زیرا نگاه اول اشکالی ندارد اما در ادامه مرتکب گناه می‌شود» (ابوداود، بی‌تا، ۲۴۶/۲) و

ترمذی، ۱۹۷۵، ۱۰۱/۵) البته ذکر این نکته ضروری است که، همانند این دستور نسبت به مردان در آیه پیشین هم صادر شده است. می‌توان به داستان ملکه سبأ و حضرت سلیمان اشاره کرد، با وجود این‌که حضرت سلیمان ساق پای ملکه سبأ را دید ولی تحت تأثیر واقع نشد: ﴿قِيلَ لَهَا أَذْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِيهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَابِرٍ فَالَّتَّرَبَ إِلَيْهِ طَلَمَتْ نَقْبِي وَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (نم، ۴۴) «به او گفته شد: به ساحت کاخ وارد شو. و چون آن را دید، برکه‌ای پنداشت و ساق‌هایش را نمایان کرد. [سلیمان] گفت: این کاخی مفروش از آبگینه است. ملکه گفت: پروردگار، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم».

پس روشن گشت که مراد خداوند از حجاب را می‌توان در دو چیز خلاصه نمود:

- فرد به هیچ وجه حق ندارد به صورت منفی بر دیگران تأثیر بگذارد یا دیگران را تحریک نماید.
- فرد موظف است برای این‌که تحت تأثیر تحریک‌های دیگران قرار نگیرد از چشم‌چرانی خودداری کند.

با این تفصیل می‌توان نتیجه گرفت که مراد خداوند از حجاب عبارت است: از مجموعه اعمالی که به سبب آن، حریم شخصی افراد مصون می‌مانند و یا به عبارتی دیگر، حجاب قرآنی، ابزار منعی است که از حریم شخصی افراد نگهبانی می‌کند.

هرگاه فرد این دو قانون را بر خود واجب بداند، می‌تواند حریم شخصی خود را از تعرض دیگران مصون بدارد و افراد این جرأت را به خود نخواهند داد تا به حوزه شخصی او ورود نمایند.

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت، که فرمان حجاب متوجه فرد است نه حکومت، زیرا خداوند به پیامبر دستور اجرای حجاب نداد، بلکه او را مأمور ساخت تا این حکم را به اطلاع مؤمنین برساند. به عبارتی دیگر، این حکم مصلحت تک تک افراد جامعه را تأمین می‌کند و حکومتها مأمور به اجرای آن نیستند، زیرا افراد مؤمن خود به اجرای آن موظف هستند. نمی‌توان ادعا نمود که برای جلوگیری از ناهنجاری اجتماعی، عموم افراد جامعه به اجرای حجاب موظفاند زیرا خداوند برای تک تک اعضای جامعه قوانینی وضع کرده است تا تحت تأثیر تحریکات دیگران قرار نگیرند. اگر قرار باشد فرد تحت تأثیر تحریکات دیگران قرار بگیرد به تعبیر قرآن خود محجبه نیست. به این خاطر در صدر اسلام موردی گزارش نشده است که با افراد بی‌حجاب برخورد شود، حال آن‌که در جامعه اسلامی افرادی با افکار و ادیان مختلف می‌زیستند و این‌گونه پوشش، خاص مسلمانان بوده است.

از این رو است که شرع برای عدم رعایت حجاب حدی معرفی نکرده و تنها برای آنان عقوبیت اخروی تعیین کرده است. از سوی دیگر با بررسی علت جرم‌هایی که برای انجام دهندگان کیفر تعیین شده، این نکته روشن می‌شود که هرگاه جرمی منافع عمومی یا افراد دیگر را به خطر بیندازد، دین برای او عقوبیت دنیوی مشخص کرده است. هیچ جرمی نمی‌توان یافت که منافع عمومی یا اشخاص دیگر را به خطر بیندازد ولی عقوبیتی برای آن تعیین نشده باشد.

پس می‌توان نتیجه گرفت که بی‌حجاب به هیچ کس جز خودش صدمه نمی‌زند، زیرا کسی که حجاب را رعایت نمی‌کند در حقیقت خودش صدمه می‌بیند و از گزند بیماردلان در امان نخواهد بود. از سویی دیگر به کسی هم نمی‌تواند آسیبی برساند، چون انسان‌های مؤمن نباید تحت تأثیر بی‌حجابان قرار گیرند.

نکته دیگری که باید در این مجال یاد آور شد، مسأله تاریخ مشروعيت حجاب است، زیرا با این تفاصیل نمی‌توان ادعا نمود که پیش از سال پنجم هجری حجاب وجود نداشته است، بلکه بایستی بیان نمود در این تاریخ پوشش خاصی برای اجرای بهتر حجاب پیشنهاد شد.

حکمت حجاب

خداآوند در بیان حکمت مشروعيت حجاب دو عامل را معرفی می‌فرماید:

ایجاد امنیت -

- رسیدن به معنویت

یکی از مهم‌ترین حکمت‌های مشروعيت حجاب، ایجاد امنیت برای فرد محجّبه است: ﴿يَأَيُّهَا الَّذِيْ قُل لِّإِلَّا زَوْجِكَ وَبَنِّاكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنَاتِ يُذِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيلِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذِنُوكُنَّ اللَّهُ عَفُورًا رَّحِيمًا﴾ (احزاب، ۵۹) «ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند، و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنه و مهربان است». طبری در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداآوند به زنان مسلمان چنین دستوری داده است تا با رعایت حجاب به عنوان زنان آزاده شناخته شوند، و مورد آزار و اذیت افراد فاسق قرار نگیرند». (طبری، ۲۰۰۰، ۳۲۴/۲۰) البته خداوند این مطلب را با اسلوبی دیگر نیز در همین سوره بیان می‌دارد و می‌فرماید: ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَقْطَعَ الَّذِيْ فِي قَلْبِهِ مَرْضٌ وَقُلْنَ فَوَلَا مَعْرُوفًا﴾ (احزاب، ۳۲) «پس به نرمی سخن مگویید تا آن مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتاد. و سخن پسندیده بگویید». همان‌طور که در صفحات پیش گذشت در اینجا مخاطب قرار گرفتن زنان پیامبر جهت تأکید است، و گرنه چنین دستوری متوجه همه زنان است. ابن عاشور آورده است: «از آن‌جا که جمله با اادات

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

شرط آمده است، مشخص می‌گردد که قصد تشویق است نه اختصاص این دستور به امهات المؤمنین» (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ۷/۲۲). ابن کثیر نزدیک به این رأی این‌گونه بیان می‌دارد: «این جا مخاطب امهات المؤمنین هستند و بقیه زنان در این دستور تابع آنان‌اند». (ابن کثیر، ۱۹۹۹، ۴۰۷/۶)

از این دستور بر می‌آید که حکمت آن در امان ماندن فرد از تعرض افراد بیماردل است. به عبارتی دیگر با توجه به این آیه می‌توان بیان نمود، حجاب مشروع است تا برای افراد، در مقابل بیماردلان امنیت ایجاد کند.

عامل دوم، رسیدن به معنویت معرفی شده است. زیرا تزکیه نفس یکی از اهداف اساسی مشروعیت حجاب است: ﴿قُل لِّمُؤْمِنَاتِكَ يَعْضُوْنَ أَبْصَارَهُمْ وَيَحْفَظُواْ فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ حَسِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾ (نور، ۳۰) «به مردان مؤمن بگو که چشمان خویش فروگیرند و شرمگاه خود نگه دارند. این برایشان پاکیزه‌تر است. زیرا خدا به کارهایی که می‌کنند آگاه است.» ابوحیان در ذیل این آیه می‌نویسد: «غض بصر و حفظ فرج، طهارت نفس را به همراه خواهد داشت» (ابوحیان، ۲۰۰۰، ۸/۳۳) این معنا در بیشتر آیات مربوط به حجاب مورد توجه واقع شده است، مثلاً در سوره احزاب علت دستور به رعایت حجاب، دوری از رجس و رسیدن به طهارت معرفی شده است: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَهِّبَ عَنْكُمُ الْرِّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب، ۳۳) «ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد». یعنی خداوند حجاب را به عنوان یکی از ابزار رسیدن به طهارت و دوری از رجس معرفی می‌کند و همان‌گونه که در کتب لغت در تعریف رجس آمده است «هر چیز آلوده‌ای که انسان باید از آن دوری گزیند» (فراهیدی، ۱۹۹۰، ۵۶/۶) ابن عاشور در این باره می‌نویسد: «این جمله تعلیلی است برای اوامر و نواهی که پیش از این آمده است زیرا «إنما» کلمه ربطی است که پیش از خود را به بعد از خود متصل می‌کند، چون «إنما» از

«إن» و «ما» تشکیل شده است و کلمه «إن» نقش «فاء» را بازی می‌کند. به عبارتی دیگر تفسیر آیه چنین خواهد شد: خداوند شما را به این امور امر کرده و از این کارها باز داشته است تا شما را به آراسته شدن به کمالات و دورشدن از رذایل برساند». (ابن عاشور، ۱۹۸۴)

(۱۴/۲۲)

فواید حجاب

قرآن دست آوردهای حجاب را به دو دسته تقسیم می‌کند: دنیوی و اخروی. ﴿بِأَيْمَانِهَا أَنَّهُ
قُل لَا إِرْجِعَكَ وَبَنَائِكَ وَسَاءَ الْمُؤْمِنَينَ يُذِينُكَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيلِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى
أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذَنُ وَكَبَكَ اللَّهُ عَفْوًا
رَّجِيمًا﴾ (احزاب، ۵۹) «ای پیامبر، به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فروپوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته شوند و مورد آزار واقع نگردند. و خدا آمرزنه و مهربان است» خداوند در این آیه بیان می‌دارد که در صورت اجرای این دستور شما از آزار و اذیت دیگران در امان می‌مانید. روشن است که فواید دنیوی اجرای حجاب به خود فرد بر می‌گردد. اما خداوند پادشاهی دیگری هم برای محجبین ذکر کرده است که در آخرت به آن می‌رسند:

میراث‌بران فردوس: خداوند در سوره مؤمنون، محجبین را از میراث‌بران فردوس نامیده است: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفْظُونَ﴾ (مؤمنون، ۵) «و آنان که شرمگاه‌های خود را نگه می‌دارند»، ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْوَرِثُونَ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْقِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا حَلِيلُونَ﴾ (مؤمنون، ۱۰ - ۱۱) «آنان وارثانند. وارثانی که بهشت برین را ارث می‌برند، و جاودانه در آن خواهند ماند». - آمرزش الهی: خداوند در قرآن به افراد زیادی مژده آمرزش داده است، یکی از این افراد محجبین هستند: ﴿وَالْحَفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَدِيفَظَلِّتِ وَالَّذِكَرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالَّذِكَرَتِ
أَعَدَ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾ (احزاب، ۳۵) «و مردانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند و

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

زنانی که شرمگاه خود را حفظ می‌کنند و مردانی که خدا را فراوان باد می‌کنند و زنانی که خدا را فراوان باد می‌کنند، خدای برایشان آمرزش و مزدی بزرگ آماده کرده است.».

البته در پایان آیه مذکور علاوه بر آمرزش گناهان، پاداش بسیار بزرگ را یکی دیگر از پاداش‌های وعده داده شده به محجبین نام می‌برد. نکره بودن کلمه «اجر» فراگیر بودن پاداش را می‌رساند.

نتیجه گیری:

- قرآن برای اینمان افراد سه نوع حجاب رفتاری، گفتاری و پوششی معرفی می‌کند.
- قرآن توجیهی ویژه به اصلاح رفتار افراد دارد.
- قرآن به افراد دستور می‌دهد تحت تأثیر تحریک‌های دیگران قرار نگیرد.
- حجاب از نگاه قرآن عبارت است از، ابزار منعی که از حریم شخصی افراد نگهبانی می‌کند.
- یکی از مهم‌ترین اهداف مشروعیت حجاب ایجاد امنیت برای افراد جامعه است.
- رسیدن به تزکیه و طهارت درونی از حکمت‌های مشروعیت حجاب است.
- بهشت فردوس پاداشی است که خداوند برای محجبین وعده فرموده است.
- آمرزش گناهان پاداش دیگری است که خداوند برای محجبین در نظر گرفته است.

منابع:

قرآن کریم

آیتی، عبدالالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، ایران، انتشارات سروش، ۱۹۹۴م.
بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، قاهره- مصر، دار طوق النجاة، ۲۰۰۱م.
بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوة، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمية، ۱۹۸۶م.

- ترمذی، محمد بن عیسیٰ، سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، (ج ۱۰، ۱۱) محمد فؤاد عبدالباقي (ج ۳) ابراهیم عطوة (ج ۴، ۵)، مصر، شرکة مکتبة ومطبعة مصطفی البانی حلی، ۱۹۷۵م.
- ابن جزری، محمد بن محمد بن یوسف، تحبیر التیسیر فی القراءات العشر، تحقیق: احمد محمد مفلح القضاة، عمان - اردن، دار الفرقان، ۲۰۰۰م.
- حاجی خلیفه، مصطفیٰ بن عبدالله، کشف الظنون عن اسمی الکتب والفنون، بغداد - عراق، مکتبة المتنی، ۱۹۴۱م.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، البحار المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۲۰۰۰م.
- ابوداؤود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق: محمد محبی الدین عبدالحمید، صیدا، بیروت - لبنان، المکتبة العصریة، بی تا.
- دروزة، محمد عزت، تفسیر الحدیث، قاهره - مصر، دار إحياء الکتب العربیة، ۱۹۶۲م.
- زمخشّری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غواضت التنزیل، چاپ سوم، بیروت - لبنان، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ هـ.
- صافی، محمود بن عبدالحیم، الجدول فی اعراب القرآن، دمشق - سوریه، دارالرشید، ۱۹۹۷م.
- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم - ایران، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۹۹۶م.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه‌ی محمد جواد بلاغی، تهران - ایران، ناصر خسرو، ۱۹۹۵م.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت - لبنان، مؤسسه الرساله، ۲۰۰۰م.
- ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر والتنویر، تونس، الدار التونسیة، ۱۹۸۴م.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللّغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۹۷۹م.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم - ایران، انتشارات هجرت، ۱۹۹۰م.

نگاهی نو به مفهوم حجاب در قرآن کریم

فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن کریم، تحقیق: هیئت علمی دارالقرآن الکریم، تهران- ایران، دار القرآن الکریم، ۱۹۹۴.م.

فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرسالۃ، بیروت- لبنان، مؤسسه الرسالۃ، ۲۰۰۵.م.

قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزایری، قم- ایران، دارالکتاب، ۱۹۸۹.م.
ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: سامی بن محمد بن سلامہ، ریاض- عربستان سعودی، دار طیبة، ۱۹۹۹.م.

مصطفی زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران، ایران، سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، ۲۰۰۲.م.
مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران- ایران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۴ش.

ملّا حویش، عبدالقدیر، بیان المعانی، دمشق- سوریه، مطبعة الترقی، ۱۹۶۵.م.